

تعلیم آموزه‌های جنسی در دوره کودکی از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام^{۲۱}

مجید طرقي^۳

حسن شکوری^۴

سیدعباس موسوی^۵

چکیده

آموزش جنسی، بخش مهمی از تربیت جنسی است. این نوع آموزش، در راستای افزایش دانش، آگاهی و ارتقای مهارت متربیان در امور جنسی و جنسیتی آنان صورت می‌گیرد. عدم تدوین پژوهشی مبتنی بر فقه اهل بیت علیهم‌السلام و همچنین فقدان برنامه‌ای جامع برای ارائه آموزش جنسی، والدین و مربیان را دچار سردرگمی در انتقال محتوای آموزشی در این زمینه کرده است. ازاین‌رو، این پژوهش با روش اجتهادی، احکام مربوط به تعلیم آموزه‌های جنسی از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام را در دوره کودکی بررسی، و حکم هر آموزه‌ای را از ادله عامه [قواعد عامه] و خاصه - قرآن و سنت - و همچنین ادله عقلی

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱؛ تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۲/۳۱.

۲. این مقاله متخذ از رساله دکتری نویسنده مسئول در جامعه المصطفی علیه‌السلام العالمية با عنوان «تعلیم آموزه‌های جنسی از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام» است.

۳. استاد حوزه و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی علیه‌السلام العالمية: (Toroghimajid@gmail.com).

۴. هیئت علمی جامعه المصطفی علیه‌السلام، استاد عالی درس خارج حوزه علمیه: (mhshakoori11@gmail.com).

۵. دانشجوی دکتری و پژوهشگر مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان (نویسنده مسئول): (mosavi 58@chmail.ir).

استخراج کرده است. تعلیم برخی آموزه‌های جنسی به کودکان با توجه به سن، جنسیت و توان جسمی و روانی آنان در ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری، مشروع است. این پژوهش، براساس روش استدلالی مذکور، تعلیم آموزه‌هایی نظیر: هویت‌یابی جنسی، تحفظ عورت از دیده‌شدن، آموزش استیذان، پاسخ‌دهی به کنجکاوی‌ها و سؤالات جنسی کودکان و همچنین تعلیم روش‌های گفتاری و رفتاری محافظت از خود در برابر سوء استفاده‌های جنسی را در دوره کودکی راجح دانسته است.

واژگان کلیدی: آموزش جنسی، تربیت جنسی، انحراف جنسی، هویت جنسی، واستیذان.

بیان مسئله

«تعلیم آموزه‌های جنسی» از مهم‌ترین ابعاد و ساحت‌های «تربیت جنسی» است که در چگونگی شکل‌گیری شخصیت انسان نقش مهمی داشته، بر افکار، عواطف و رفتارهای انسان نیز اثرگذار است. «آموزش جنسی»، روشی است که در آن، آگاهی فرد را در زمینه تمایلات جنسی، نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی مربوط به آن افزایش می‌دهد. همچنین موجب بهبودی و ارتقاء ارتباطات مؤثر در موضوعات جنسی می‌شود (تبریزی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۵۴). ازاین‌رو، محتوای آموزش جنسی باید متناسب با سن، سطح تحول مخاطبان، وضعیت فرهنگی-اجتماعی افراد، به‌موقع، دقیق و مناسب ارائه گردد.

جامعیت نگاه فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام به تکالیف و وظایف مکلفان، مقتضی بیان تکلیف شرعی مربیان و متریان در تمام حیطه‌های تربیت، به‌ویژه تربیت جنسی است. استنباط احکام مرتبط با تعلیم آموزه‌های جنسی، بر عهده فقیه است. استخراج این احکام و کاربست صحیح آنها می‌تواند علاوه بر تعلیم به‌هنگام آموزه‌های جنسی، به تربیت صحیح و درنتیجه، صالح شدن فرزندان و متریان بینجامد.

پژوهشی مستقل و جامع درباره «تعلیم آموزه‌های جنسی مبتنی بر فقه اهل بیت علیهم‌السلام» در دوره کودکی صورت نگرفته است؛ از این رو این پژوهش با هدف استخراج احکام تعلیم آموزه‌های جنسی در کودکی از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام، با روش استنباط فقهی صورت خواهد گرفت.

گفتنی است در عرصه فقهی، پژوهشی معتبر است که با استناد به روش اجتهادی متعارف نزد فقها صورت گیرد. طبق آن، به استنباط حکم شرعی، و بیان وظیفه مکلفان - از جمله تکلیف مریبان نسبت به متریان در مقام تربیت - اقدام می‌شود. هرچند از پژوهش‌های تجربی نوین نیز استفاده خواهد شد. نتایج فقهی این پژوهش، می‌تواند تکالیف والدین را در خصوص تعلیم آموزه‌های جنسی فرزندان معین کند. علاوه بر این، می‌تواند وظایف متولیان تربیتی را در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی در آموزش و پرورش، حوزه علمیه و دانشگاه مورد استناد قرار دهد و راه‌گشای سؤالات فقهی متعددی باشد که در زمینه تعلیم آموزه‌های جنسی توسط مریبان و متولیان وجود دارد.

پیشینه

بخش‌هایی از احکام مربوط به «تعلیم آموزه‌های جنسی» در دوره کودکی ذیل مباحث: «حرمت تقبیل صبیّه ممیّزه توسط نامحرم» (سبحانی، ۱۳۷۵، ۱: ۷۳)، «جداسازی بستر کودکان [تفریق مضاجع]» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۰: ۳۴۰ - ۳۴۱)، «تعجیل در تزویج فرزند بالغ» (همان، ۲۰: ۶۱ - ۶۲)، «استیذان اولاد هنگام ورود به اتاق خواب والدین» (همان، ۲۰: ۲۱۴ - ۲۱۹)، «احتراز از بوسیدن دختر شش ساله نامحرم» (همان، ۲۰: ۲۲۹) مطرح شده است.

فقها درباره احکام «تعلیم آموزه‌های جنسی»، به صورت کلی و جزئی توجه کرده‌اند

(اعرافی، ۱۳۹۶، ۲۶: ۴۰ - ۴۲). استاد اعرافی در دو اثر تربیت جنسی (همان) و تربیت فرزند با رویکرد فقهی (همو، ۱۳۹۳: ۱۴۰ - ۱۶۹) به برخی مسائل آن از جمله موضوع تحفظ نگاه از دیدن عورت دیگران، استیذان و جداسازی بستر کودکان (تفریق مضاجع)، از لحاظ فقهی پرداخته است.

مباحثی از کتاب نحن والأولاد في مآثر أهل بيت النبوة ﷺ نیز ناظر بر آموزه‌های جنسی است (عندلیب، ۱۳۸۴ ش). *تربیه الطفل في الإسلام* نیز اشاراتی به روایاتی در این خصوص دارد (حسینی، ۱۴۲۶: ۱۰۸ - ۱۱۰). *التربية الجنسية للأطفال والبالغين* نیز به مسائل رایج امور جنسی اطفال (مراهق و ممیز) و مکلفان (نوجوانان و جوانان و بزرگسالان) پرداخته است. رویکرد اثر اخیر، بیشتر قرآنی و روایی است؛ ولی نیم‌نگاهی به مسائل فقهی دارد (مُدن، ۱۴۱۶ ق). در *أحكام الأطفال* نیز روش فقهی به برخی مسائل مربوط به «تعلیم و تربیت جنسی»، به صورت پراکنده و جزئی پرداخته شده است (انصاری شیرازی و دیگران، ۱۴۲۹ ق).

با توجه به این پیشینه، تاکنون پژوهشی مستقل و جامع درباره «تعلیم آموزه‌های جنسی از دیدگاه فقه اهل بیت ﷺ»، به‌ویژه در دوره کودکی صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، ورود خاص به این عرصه به صورت منسجم و مستقل با دید تفقهی تحقق نیافته است. از این رو، بررسی فقهی و گستره تحقیقی در این موضوع، بدیع است. استنباط فقهی در تعلیم آموزه‌های جنسی و همچنین برجسته‌سازی نقش اولیا و مربیان در این زمینه و پاسخ به مسائل مربوط از منظر فقهی، جنبه نوآوری این پژوهش به‌شمار می‌آید. بنابراین، تمایز این پژوهش نسبت به تحقیقات گذشته، جامعیت و گستره بحث تعلیم آموزه‌های جنسی در دوره کودکی و بیان احکام آن بر اساس فقه اهل بیت ﷺ است.

مفاهیم

معناشناسی واژگان در پژوهش‌ها، می‌تواند در فهم و به‌کارگیری درست آنها کمک کند. از این رو، ضروری است که واژگان اصلی تحقیق را مورد بررسی قرار دهیم.

آموزش جنسی

در تعریف «آموزش جنسی»^۱ دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که ناشی از نگاه‌های متفاوت به مفهوم و کاربرست «تعلیم» و «تربیت» و همچنین رویکردهای مختلف به تعلیم و تربیت جنسی و اهداف آن است (اعرافی، ۱۳۹۶: فصل اول). آموزش جنسی در نظرگاه مختار: «افزایش دانش، آگاهی و مهارت متربیان و مخاطبان در امور جنسی و جنسیتی فرد، متناسب با اقتضائات رشدی و موقعیتی آنان (مثل دوره کودکی)، به اندازه نیاز، در راستای تربیت و سلامت جنسی مبتنی بر تعالیم اسلامی» است.

کودک

واژه «کودک» در زبان قرآن، روایات و متون فقهی، معادل: «طفل»، «صبی»، «صغیر»، «مُراهِق»، «حَدَث» و «غلام» به‌کار رفته است؛ اما در اصطلاح فقهاء، در معنایی متقابل با بلوغ است (علامه حلی، ۱۴۱۰، ۲: ۲۹۸). بر این، «دوران تمییز»، که بین دوران کودکی و بلوغ قرار دارد و مرحله کوتاهی قبل از سن تکلیف [بلوغ شرعی] است، مرحله نهایی از دوره کودکی است - نه نوجوانی - که معمولاً بلوغ جنسی زودرس در همین دوران تمییز اتفاق می‌افتد (موسوی، ۱۳۹۹: فصل اول).

البته اکثر فقهاء دوران کودکی را به دو بخش، صبی غیر ممیز [هفت سالگی] و صبی ممیز [تا آغاز بلوغ] تقسیم کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۵: ۱۳۱). «کودک ممیز» نیز بر دو قسم است: کودک غیر «مُراهِق» و کودک «مُراهِق» (طباطبائی یزدی، ۱۴۲۰، ۱: ۵۵۰).

1. Sexual Instruction or Sexuality Education.

برخی پژوهشگران، دوره بلوغ را شروع تعلیم آموزه‌های جنسی و جنسیتی گفته‌اند و قبل از آن را ناصواب قلمداد کردند (مکدوگال، ۱۳۶۲: ۴۹ - ۵۰). در مقابل، برخی مطالعات بر لزوم تعلیم آموزه‌های جنسی و موضوعات مرتبط با آن، از دوره کودکی تأکید دارند (فقیهی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۱ - ۸۰)؛ زیرا در دوره‌های رشدی بعد، احتمال آسیب‌ها و رفتارهای پُرخطر جنسی، بیشتر خواهد شد.

با توجه به قابلیت یادگیری کودکان، در این سنین، همان‌گونه که مفاهیم و آموزه‌های دینی با ارائه راهکارهای دقیق علمی به کودکان قابل آموزش است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۱: ۲۸۱؛ اعرافی، ۱۳۹۳: فصل دوم و سوم)، می‌توان آموزه‌های جنسی متناسب با این دوره را تعلیم داد. از آنجاکه در انسان، تمایل جنسی از بدو تولد وجود دارد (فقیهی، ۱۳۸۷: ۱۱۲) و با علایم خفیف‌تری از حدود سه تا پنج سالگی، کنجکاوی‌های جنسی شروع می‌شود (فروید، ۱۳۴۳: ۱۶۲)، تعلیم صحیح و به‌هنگام برخی آموزه‌های جنسی در دوره کودکی، می‌تواند از فساد، انحراف، اختلال و نابهنجاری‌های جنسی در دوره‌های نوجوانی و جوانی جلوگیری کند. از این‌رو، برخی علمای تربیت معتقدند «اگر آموزش‌های جنسی به‌وسیله اولیا از کودکی آغاز شود و در نوجوانی تکمیل گردد، موفقیت نوجوانان در مقابله با این مشکلات بیشتر خواهد شد» (اعراف، ۱۳۹۶، ۲۶: ۴۳ - ۷۶؛ همو، ۱۳۹۳: ۱۴۰ - ۱۷۰). برخی منابع فقهی معاصر نیز بر کلیت تعلیم و تربیت کودک در همان دوره کودکی تأکید کرده‌اند (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳، ۷: ۳۲۷).

مشروعیت تعلیم آموزه‌های جنسی در دوره کودکی

با توجه به توضیحات ارائه‌شده، این سؤال مطرح است که آیا تعلیم آموزه‌های جنسی در دوره کودکی، مشروع است؟ برای پاسخ به این پرسش کلی، موضوعات و

مسائلی که در منابع دینی - کتاب و سنت - بر مشروعیت تعلیم آموزه‌های جنسی دلالت دارند، ارزیابی می‌شوند.

الف) تعلیم در راستای هویت‌یابی جنسی کودکان

از مؤلفه‌های «شناختی» در تعلیم آموزه‌های جنسی، «هویت جنسی» است. «هویت جنسی، پذیرش ویژگی‌های زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی هر یک از دختر و پسر است که به صورت متفاوت، در دو جنس پدیدار می‌گردد» (فقیهی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). از این رو، هویت جنسی در تکامل، رشد و عملکرد شخصیت اثرگذار است.

یافته‌های پژوهش‌های تجربی، بر ضرورت تعلیم آموزه‌های جنسی برای هویت‌یابی جنسی کودکان تأکید دارند (خمسه، ۱۳۸۵ش)؛ به گونه‌ای که آموزش برخی آموزه‌های جنسی به صورت مناسب، صحیح و به هنگام در دوران کودکی، تأثیر زیادی در شکل‌گیری «هویت جنسی» سالم در مقاطع نوجوانی و جوانی دارد (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۹۰-۴۹۱). از این رو، در صورتی که گفتار و رفتار والدین، نهادهای آموزشی و فضاهای پیرامونی به طور مستقیم و غیر مستقیم، متناسب با پسر یا دختر بودن کودک سامان‌دهی گردد، بازخوردهای تشویقی و تنبیهی نیز با همین معیار ارائه شود و آماده ساختن کودک برای نقش‌های بعدی هم متناسب با جنسیت او اعمال گردد، نظام تربیت جنسی به درستی پایه‌گذاری خواهد شد (مرویان حسینی، ۱۳۹۵: ۲۳۷-۲۳۸).

اسلام برای هویت‌بخشی به فرزندان - از ابتدای رشد آنان - سفارش کرده است که دختران و پسران، به گونه‌ای پرورش داده شوند که به جنسیت خود مباحثات کنند و از لحاظ شناختی و عاطفی، از این مسئله رضایت کامل داشته باشند. در راستای رجحان تعلیم این آموزه جنسی، به ادله عامه و خاصه در این زمینه استناد می‌شود.

۱. مقتضای ادله و قواعد عامه: تعلیم مؤلفه‌های هویت‌یابی جنسی به کودکان در راستای قوام، صلاح و سداد شخصیتی آنان، نوعی ارشاد و هدایت ایشان و همچنین

نوعی احسان به آنهاست. طبق قاعده ارشاد جاهل (اعرافی، ۱۳۹۸: ۶۷-۷۰)، قاعده هدایت (همان: ۷۲-۸۲) و قاعده احسان (همان: ۹۷-۱۰۰)، این نوع از تعلیم رجحان دارد.

۲. حکم عقل: تغییر شناختی، عاطفی و رفتاری در راستای شکوفایی استعدادها و کسب صلاح و سداد کودکان، رجحان عقلی دارد. ازآنجا که تعلیم در راستای هویت‌یابی صحیح جنسی کودکان، رشد و تقویت هویت جنسی آنها و شکوفاسازی استعدادهای شخصیتی آنان است، این نوع تعلیم، راجح است. البته می‌توان «هویت‌یابی جنسی کودکان» را نوعی «کسب منفعت و دفع ضرر محتمل» (آخوند خراسانی، بی‌تا: ۳۴۳-۳۴۸) دانست که تعلیم در این راستا به دلیل عقلی، رجحان می‌یابد.

در نگاه دینی، هویت‌یابی جنسی به جایگاه فرزندان در خانواده بازمی‌گردد. ازاین‌رو، نگرش مثبت و عزتمندانه به جنسیت خود و کودک از سوی والدین، ضروری است. در همین راستا می‌توان به ادله نقلی - کتاب و سنت - استناد و استدلال کرد.

۲. آیات قرآن کریم، نگاه مثبت و مطلوبی درباره فرزندان ارائه داده است. در قرآن کریم از فرزندان، به عنوان موهبتی الهی (آل عمران، آیه ۳۸؛ انعام، آیه ۸۴؛ ابراهیم، آیه ۳۹؛ مریم، آیه ۵، ۱۹ و ۴۹؛ شوری، آیه ۴۹)، نور چشم (فرقان، آیه ۷۴؛ قصص، آیه ۹)، زینت بخش زندگی (کهف، آیه ۴۶؛ آل عمران، آیه ۱۴؛ حدید، آیه ۲۰) و وسیله آزمایش انسان (تغابن، آیه ۱۵؛ انفال، آیه ۲۸) یاد شده است. ارائه و القای این نگاه مثبت و خوش‌بینی به فرزندان، موجب هویت‌یابی جنسی صحیح به آنان خواهد شد.

۳. روایات: مجموعه‌ای از روایات در ذیل آیات فوق وارد شده که با استناد به این آیات، بر نگاه مثبت به فرزند و مطلوبیت آن تأکید شده است. برای نمونه، به برخی از این دسته‌ها اشاره می‌شود.

- پوشیدن لباس مختص جنس مخالف، در مجموعه‌ای از روایات نهی شده

است. برای نمونه، در روایتی از حضرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهَاتِ بِالرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۱۱۳)؛ «لَعَنَ اللَّهُ وَ أَمْنَتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَى رَجُلٍ تَأَنَّثَ وَ امْرَأَةٍ تَذَكَّرَتْ» (عده‌ای از علما، ۱۳۸۱: ۱۴۴).

از مقتضای این‌گونه روایات، می‌توان در جهت لزوم تثبیت هویت جنسی و پایبندی به لوازم جنسیت خود استفاده کرد. البته با الغای خصوصیت از بزرگسالان و تعمیم آن به کودکان، می‌توان مرجوحیت این مسئله را استنباط نمود. از آنجاکه کودکان مکلف نیستند، این تکلیف بر عهده والدین است که در راستای پذیرش و تثبیت هویت جنسی کودکان، از پوشش لباس همجنس آنان برایشان استفاده کنند و از پوشاندن لباس‌های جنس مخالف به آنها بپرهیزند.

- دسته‌ای دیگر از روایات، بر تزیین دختران و پرهیز از آن، درباره پسران تأکید دارند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۳: ۵۴۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۵: ۱۰۴). تفاوت در تزیین کودکان متناسب با جنسیت آنها؛ بیان‌گر توجه به هویت‌یابی جنسی آنان است. در روایت مستفیضه‌ای از حضرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است: «يَا ابْنَ مَسْعُودٍ سَيَأْتِي مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ ... وَ يَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِرُؤُوسِهَا وَ يَتَبَرَّجُونَ بِتَرْجِ النِّسَاءِ ... يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا﴾ [مریم، آیه ۵۹]» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۴۹).

به نظر می‌رسد که تأکید این‌گونه روایات، بر آگاهی کودکان از جنسیت خویش و نقش‌پذیری جنسی آنان و در نتیجه، پیشگیری از انحرافات جنسی در این زمینه است. از این رو، روایات (پاینده، ۱۳۸۲: ۱۵۶) و نظر فقها (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۸: ۴۲۲) بر رعایت تجانس برای تربیت فرزندان تأکید دارند.

- دسته‌ای دیگر از روایات، بر حمام نکردن پسر توسط مادر تأکید دارند (کلینی،

۱۴۰۷، ۳: ۱۶۰؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۱: ۱۵۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۱: ۳۴۱). چنین روایاتی، واگذاری این‌گونه مسائل را بر عهده والدِ همجنس - متجانس - قرار داده است (متقی هندی، ۱۴۲۴، ۱۶: ۳۰۹). در این دسته روایات، به الگویابی جنسی‌ای که در امر آموزش نقش جنسی و هویت‌یابی جنسی اهمیت فراوانی دارد، توجه شده است. در نتیجه، پذیرش جنسیتِ خود و نقش‌پذیری جنسی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵، ۲: ۱۰۰۱) در دوره کودکی، لازمه رشدِ صحیح ابعاد وجودی کودکان در ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است. ازاین‌رو، هویت‌یابی جنسی در دوره کودکی ضروری است. بنابراین، اقدامات تعلیمی - مباحثی و غیر مباحثی - از سوی والدین و مربیان در این راستا مطلوب است.

مجموعه ادله و قواعد عامه در این زمینه، بر رجحان تعلیم این آموزه جنسی حکم می‌کند. بررسی ادله خاصه - کتاب و سنت - نیز مبین مدعاست. بنابراین، حداقل رجحان ندبی تعلیم هویت‌یابی جنسی از ادله عامه و خاصه استفاده می‌گردد. هرچند از طریق مجموعه ادله و روایات فراوانی مانند: ادله «وظیفه‌مندی والدین و حقوق فرزند» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۶۳)، روایات «اعانه بر نیک‌رفتاری فرزند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۵۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۸: ۱۱۳)، روایات رجحانِ «تعلیم آداب و سنن به فرزندان» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۱: ۴۷۶) و روایات رجحانِ «رحم بر فرزندان» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۴۹؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳: ۴۸۳) نیز می‌توان مدعا را ثابت کرد که به‌خاطر اختصار به آنها پرداخته نشده است.

ب) تعلیم تحفظ عورت از دیده‌شدن

از مؤلفه‌های «رفتاری» تعلیم آموزه‌های جنسی، تحفظ «عورت» [عیب، بدی و هر چیزی که انسان از آشکارشدنش ابا و حیا دارد] (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲: ۲۳۷) از دیده‌شدن است. این مسئله، علاوه بر آثار فردی، آثار دینی، فرهنگی و اجتماعی نیز

دارد که در جای خود به آنها پرداخته شده است (امامی‌راد، مشهدی علی‌پور، ۱۳۹۹: ۱۷۹-۲۰۰).

رعایت عورت‌پوشی از سوی والدین - به‌عنوان الگوهای رفتاری فرزندان -، در راستای آموزش عورت‌پوشی به کودکان، بسیار مؤثر است (اسپاک، ۱۹۸۰: ۲۵۱). در صورت عدم رعایت عورت‌پوشی توسط والدین و کوتاهی در تعلیم این آموزه، «عورت‌نمایی» برای کودکان، امری طبیعی تلقی خواهد شد و به‌مرور زمان، یک عادت رفتاری برای آنها شکل خواهد گرفت. البته موارد شدید «عورت‌نمایی»^۱ به‌ویژه در بزرگسالی، نوعی اختلال جنسی قلمداد شده است که در آن، فرد دارای امیال، خیال‌پردازی‌ها یا رفتارهای شدید و مکرری که اندام‌های تناسلی‌اش را به دیگران (معمولاً غریبه‌ها) در موقعیت‌های نامناسب و بدون رضایت آنها نشان می‌دهد (باچر و دیگران، ۱۳۸۷، ۲: ۳۱۱ - ۳۵۹). بنابراین، می‌توان «تحفظ عورت از دیده‌شدن» را به‌عنوان آموزه‌ای جنسی به فرزندان و متربیان تعلیم داد. این آموزه به مطلق «پوشاندن عورت» در همه حال و همه زمان‌ها، به‌منظور پیشگیری از دیده‌شدن آن توسط فرزندان و متربیان اشاره دارد.

در متون فقهی، در ابواب مختلفی درباره این مسئله، ذیل مباحث «ثوب المصلی [لباس نمازگزار]» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴: ۳۴۳ - ۳۴۶) و «آداب حمام» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۱: ۳۷۳) پرداخته شده است. البته برخی فقها حکم لزوم «ستر عورت» را حتی از محارم، ضروری دین دانسته و آن را مستند به کتاب، سنت و اجماع کرده و گفته‌اند: «قرآن کریم در صدد هدایت و تربیت انسان است و ستر عورت، نوعی نظافت و نزاهت و پاکیزگی روح و دوری کردن از ناهنجاری جنسی است» (فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ۴۱: ۱ و ۱۰۵؛ همان، ۲: ۳۷۳).

برای اثبات رجحانِ تعلیم مسئله «تحفظ عورت از دیده شدن» برای کودکان به عنوان یک آموزه جنسی، می توان به ادله عامه و خاصه ذیل استناد کرد:

مقتضای ادله و قواعد عامه: تعلیم کودکان به تحفظ عورت از دیده شدن، بر اساس قاعده تعلیم وقایبی (اعرافی، ۱۳۹۳: ۱۲۳ - ۱۳۸)، ارشاد جاهل (همو، ۱۳۹۸: ۶۷ - ۷۰)، قاعده هدایت (همان: ۷۲ - ۸۲) و قاعده احسان (همان: ۹۷ - ۱۰۰) رجحان دارد. هرچند درباره وجوب و مستحب بودن آن، بحث و مناقشه وجود دارد؛ اما ممکن است به خاطر مکلف نبودن کودکان، حکم رجحان غیر الزامی باشد. البته در نهایی شدن حکم وجوب یا استحباب، ادله خاصه معاضدت خواهند کرد.

ادله خاصه ای نیز بر رجحان تعلیم کودکان به تحفظ عورت از دیده شدن وجود دارد که به مهم ترین آنها اشاره می گردد.

آیه ۳۰ - ۳۱ از سوره نور

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ
* وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...﴾ (نور، آیه ۳۰ - ۳۱).

براساس این آیه شریفه، وظیفه الزامی برای مردان و زنان باایمان، تحفظ عورت از دیده شدن است. ازاین رو، بسیاری از مفسران، حفظ فرج [عورت] در این آیه را مختص حفظ آن از دیده نشدن دانسته اند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۵: ۱۱۱)؛ زیرا «غَضُّ بصر»، مقدمه «حفظ الفرَج» است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۹: ۴۹). البته خطاب آیه شریفه و روایات ذیل آن (قمی، ۱۳۶۳، ۲: ۱۰۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۳۵ - ۳۶)، بر لزوم تحفظ عورت از دیده شدن، از کودکان انصراف دارد؛ زیرا کودکان شرایط عامه تکلیف را ندارند؛ اما از آنجاکه ستر عورت، مصداقی از شرم، حیا و عفت است و آثار فراوان تربیتی نیز بر آن مترتب است، بر والدین راجح است که کودکان نابالغ خود را بر تحفظ عورت از دیده شدن تشویق و ترغیب کنند. در همین راستا، تعلیم این آموزه

جنسی برای کودکان در قالب گفتار و رفتار و همچنین به صورت مستقیم و غیر مستقیم، رجحان دارد.

روایات

- مجموعه‌ای از روایات، درباره تحفظ عورت والدین از نگاه کودکان توصیه و تأکید کرده که به الگوگیری عملی کودک از والدین اشاره دارد: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَدْخُلُ الرَّجُلُ مَعَ ابْنِهِ الْحَمَّامَ فَيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَتِهِ وَقَالَ لَيْسَ لِلْوَالِدَيْنِ أَنْ يَنْظُرَا إِلَى عَوْرَةِ الْوَلَدِ وَلَيْسَ لِلْوَلَدِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عَوْرَةِ الْوَالِدِ وَقَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النَّازِرَ وَالْمُنْظُورَ إِلَيْهِ فِي الْحَمَّامِ بِلَا مِئْزَرٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۵۰۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۱: ۱۱۵). این روایات مرسله، تعلیم عملی حفظ از دیده‌شدن برای کودکان [فرزندان و متریان] تلقی می‌گردد (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۶: ۱۵۸-۱۶۰).

- روایات عام دلالت‌کننده بر لزوم تحفظ عورت از دیده‌شدن (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۴: ۱۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱: ۲۹۹). با این‌که آشکارسازی بدن بدون دیده‌شدن عورت برای مردان حرام نیست، استحباب دارد که احتیاط‌های لازم برای نرسیدن به مرز دیده‌شدن یا تحریک جنسی دیگران، به‌ویژه جنس مخالف، صورت گیرند. در برخی روایات، به آثار ناشایست این عمل بر نگاه‌کننده و نگاه‌شونده هم اشاره شده است. بنا به رعایت اختصار، فقط به این روایت ذیل استناد و استشهاد می‌گردد: «رَوَى إِسْمَاعِيلُ بْنُ الْفَضْلِ عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: ... وَ حَقُّ فَرْجِكَ أَنْ تُحْصَنَهُ عَنِ الزَّانَا وَ تَحْفَظَهُ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۲: ۶۱۹؛ همو، ۱۴۰۳، ۲: ۵۶۴؛ همو، ۱۳۷۶: ۳۶۸).

در این روایت صحیح^۱، حضرت سجاد عليه السلام حق عورت را محافظت آن از زنا و

۱. شیخ صدوق رحمته الله از طرق زیادی از «ثابت بن دینار [ابوحمزہ ثمالی]» نقل کرده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳،

۴: ۴۴۴). البته طریق شیخ از ابوحمزہ ثمالی، متصل و صحیح است: بنابراین، روایت صحیح است.

دیده شدن بیان کرده است. تعبیر «تَحْفَظُهُ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ» در کنار «أَنْ تُحْصِنَهُ عَنِ الزَّيِّنَاتِ»، بیان گر لزوم حفاظت از دیده شدن است.

با توجه به قوت سندی روایات این دسته، از جمله روایت مذکور و همچنین موافقت و همسویی آنها با اصل لزوم احتیاط در مسائل جنسی (فقیهی، ۱۳۸۷: فصل دوم)، می توان به رجحان چنین احتیاط هایی نظر داد.

در جمع بندی ادله تعلیم تحفظ از دیده شدن، این سؤال مطرح است که در کدام سن، حرمت نگاه به عورت بچه وجود دارد؟ قدر متیقن، خروج صبی غیر ممیز از حرمت نگاه کردن است؛ اما تعمیم جواز نظر به غیر بالغ مطلق، بعید به نظر می رسد (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۶: ۱۵۸-۱۶۰).

حکم ذکر شده، مطلق است و شامل صبی و صبیّه می شود. همچنین فرقی در نگاه کننده در این حکم نیست و اعم از مذکر و مؤنث است (همان). بنابراین، با توجه به تأکیدهای منابع بر تحفظ از دیده شدن عورت و استتار عورت از دیگران، تعلیم آن برای فرزندان و متریان راجح است. البته از طریق مجموعه ادله و روایات فراوانی مانند: ادله «وظیفه مندی والدین و حقوق فرزند»، روایات «اعانه بر نیک رفتاری فرزند»، روایات رجحان «تعلیم آداب و سنن به فرزندان» و روایات رجحان «رحم بر فرزندان» نیز می توان مدعا را ثابت کرد که به دلیل اختصار به آنها پرداخته نشده است.

ج) تعلیم اذن خواهی در ورود به خلوت والدین

از مهم ترین مؤلفه های رفتاری برای تعلیم آموزه های جنسی در دوره کودکی، تعلیم «استیذان» است. موضوع «استیذان» و تعلیم آن، مستند به آیات شریفه ۵۸ - ۵۹ از سوره مبارکه نور است و به صورت ویژه، در منابع دینی - روایی (کلینی، ۱۴۰۷: ۵: ۵۲۹؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۳: ۹۳: ۱۷۷)، تفسیری (شیخ طوسی، بی تا، ۷: ۴۰۷) و فقهی (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹: ۸۳) - نیز مورد توجه قرار گرفته است.

مراد از آن، تعلیم اجازه‌خواهی کودکان [فرزندان و متریانِ خردسال]، قبل از ورود به خلوتگاه [زمان و مکان خلوت] والدین - و افراد دیگری که در خلوت هستند - است که بدون کسب اجازه و اطلاع ایشان، وارد حریم خلوتشان نشوند (طرقی و امامی‌راد، ۱۳۹۶: ۶۳ - ۹۰). «استیذان»، روش تربیتی پیشگیرانه‌ای است که فرزندان و متریان را از فساد و انحراف‌های جنسی احتمالی مصون نگاه می‌دارد. تعلیم «استیذان»، درباره کودکی است که زمینه ادب‌آموزی و تعلیم این امر را داراست؛ حتی اگر به سن تمیز هم نرسیده باشد.

از آسیب‌های احتمالی ورود نابهنگام و بدون اذن‌خواهی کودکان در خلوت والدین، دیده‌شدن آنها در هنگامه آمیزش جنسی است. روان‌شناسان به تأثیر نامطلوب دیده‌شدن والدین هنگام انجام دادن عمل جنسی از سوی کودکان، اشاره کرده‌اند (فروید، ۱۳۴۳: ۱۲۳).

اعرافی در کتاب‌های مختلف خود، به مسئله رجحان تعلیم این آموزه جنسی برای کودکان پرداخته است (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۶، ۲۶: ۱۲ - ۱۵۳؛ همو، ۱۳۹۳: ۱۵۲ - ۱۶۰). براساس حکم به‌دست‌آمده، بر والدین مستحب است که استیذان را به کودکان نابالغ خود - که توان فهم این مسائل را دارند - آموزش دهند. همچنین بر کودکان نابالغ، مستحب است تا برای ورود به خلوتگاه والدین، اجازه بخواهند و این امر، بر افراد بالغ و بزرگسال واجب است (همان).

د) پاسخ‌دهی به کنجکاوی‌ها و سؤالات جنسی کودکان

از دیگر مؤلفه‌های شناختی برای تعلیم آموزه‌های جنسی، پاسخ‌دهی به‌هنگام، مناسب و صحیح به کنجکاوی‌های جنسی کودکان است. بهترین زمان برای تعلیم آموزه‌ای جنسی، از طریق جواب‌دهی به پرسش‌ها و کنجکاوی‌های کودکان است.

از مهم‌ترین موضوعاتی که کودکان درباره آن کنجکاوی می‌کنند، مسائلی است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با امور جنسی ارتباط پیدا می‌کند (فروید، ۱۳۴۳: ۱۶۲-۱۶۹)؛ تفاوت‌های فیزیکی - جنسیتی، از نحوه لباس پوشیدن متفاوت با جنس مخالف، چرایی تفاوت‌های آلت تناسلی خود با جنس مخالف، چگونگی بارداری، چگونگی به دنیا آمدن انسان و حیوانات، روابط با جنس هم‌سال مخالف و چرایی درباره ازدواج و مناسبات آن و موارد و موضوعات متنوع دیگری که به صورت خواسته یا ناخواسته با آنها به صورت اولیه یا در فضای سایبر، رسانه‌ها و روابط اجتماعی روبه‌رو شده است. البته سطح سؤالات در دوره‌های مختلف سنی کودکان، متفاوت است. علاوه بر این، مقدار پیگیری و تصمیم بر پاسخ‌گیری نیز در سنین مختلف آنان متغیر است.

عصبانیت، نگرانی، انکار و طفره رفتن از پاسخ‌گویی یا پاسخ‌های غیر واقعی، اقدامی ناصحیح در مقابل کنجکاوی‌های کودکان است؛ زیرا آسیب‌های فراوانی در حال و آینده زندگی کودک دارد؛ از جمله ممکن است آنان به دوستان، همسالان یا منابع غیر متعهد و نامعتبر دیگری روی آورند که چه‌بسا زمینه انحراف جنسی را در آنان موجب می‌گردد. علاوه بر این، ممکن است زمینه‌های هورمونی و کنجکاوی‌های جنسی کودکان، جرقه‌های بلوغ جنسی زودهنگام را در کودکان ایجاد کند.

«بررسی‌های علمی، نشان داده‌اند که بیداری نابه‌هنگام جنسی، زمینه‌ساز بروز پاره‌ای از هوس‌های نادرست، عادت‌های نامناسب و انحراف‌آمیزی چون خودارضایی، قراردادن خود در معرض سوء استفاده‌های جنسی و بالاخره، توسعه مفاسد و آلودگی‌هاست؛ از این‌رو باید از پیش‌رسی بیداری جنسی کودکان جلوگیری کرد. این سخن، به آن معنا نیست که کودک را در مورد اعضای وجودی‌اش غافل و جاهل نگه داریم؛ بلکه غرض این است که به زور تصنع و تحریک، بیداری غرایز و به

دنبال آن، هوس و شهوت را در او پدید نیاوریم» (فرمehنی فراهانی، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۸). بر همین اساس، «ویلیان آلفسون» معتقد است «اگر والدین، فرزندان خود را تا حد لزوم از امور جنسی آگاه کنند، کودک برای به دست آوردن اطلاعات، هیجان خارق‌العاده‌ای از خود نشان نمی‌دهد و زندگی‌اش را در گرو غریزه جنسی نمی‌نهد» (به نقل از: شیمل، ۱۳۷۹: ۱۸۷).

بنابراین، زمینه‌های هورمونی و کنجکاوی‌های جنسی کودکان، می‌تواند جرقه‌های بلوغ جنسی زود هنگام در کودکان باشد (موسوی، ۱۳۹۹: فصل دوم). از این رو، ارائه اطلاعات و پاسخ‌ها باید در سطح فهم و متناسب با موقعیت سنی کودک، بدون تشریح و تفصیل صورت گیرد. بدیهی است که پاسخ‌ها نباید تحریک‌آمیز باشد و والدین نباید از پاسخ به سؤالات کودک، احساس شرم جنسی کنند؛ زیرا بخشی از رشد هویت جنسی کودک، در گرو فهم فرایند رشد جنسی اوست. ادله ذیل در راستای مشروعیت پاسخ‌دهی به کنجکاوی‌ها و سؤالات جنسی کودکان بیان می‌گردد:

مقتضای ادله و قواعد عامه: برای این آموزه شناختی، تمام ادله و قواعد عامه، به‌ویژه تعلیم جاهل (اعرافی، ۱۳۹۸: ۶۷-۷۰)، تعلیم تعاونی (همو، ۱۳۹۴: ۲۷۱-۲۸۸)، قاعده هدایت (همان: ۷۲-۸۲)، قاعده احسان (همان: ۹۷-۱۰۰)، ساری و جاری است. بنابراین، پاسخ‌گویی صحیح و متناسب به کنجکاوی‌ها و سؤالات جنسی کودکان، رجحان دارد. البته درباره سؤالاتی که پاسخ آنها در صلاح و سداد کودکان نقش اساسی دارد و از انحرافات جنسی حال و آینده آنان پیشگیری می‌کند، رجحان الزامی است و در سایر موارد، رجحان غیر الزامی دارد. بنابراین، از ادله و قواعد عامه، فی‌الجمله مشروعیت پاسخ‌دهی مناسب و متناسب به سؤالات جنسی کودکان استفاده می‌شود.

علاوه بر ادله و قواعد عامه، ادله استحباب تعلیم جاهل نیز بر رجحان استحبابی پاسخ‌دهی به سؤالات جنسی کودکان دلالت می‌کنند. براساس این ادله، سؤالات و کنجکاوی‌های کودکان درباره مسائل جنسی، که احکامی مستحب و مکروه دارند، پاسخ‌دهی رجحان استحبابی دارد. البته تنها موردی که از شروط حکم وجوب تعلیم جاهل خارج است، تعلیم غیر مکلف با هدف آموزش دین و احکام شرعی است تا بعد از رسیدن به شرایط عامه تکلیف [بلوغ، عقل و اختیار]، بتواند به وظایف خود عمل کند. در این فرض، تعلیم جاهل با آن‌که مکلف نیست، مستحب است؛ زیرا آموزش و تربیت، مقدمه عمل به واجب، و مستحب است.

ادله خاصه‌ای نیز بر مشروعیت تعلیم جنسی در قالب پاسخ‌دهی به سؤالات و کنجکاوی‌های جنسی کودکان وجود دارد که به آنها استناد می‌گردد:

قرآن کریم: آیه سؤال: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل، آیه ۴۳؛ انبیاء، آیه ۷)؛ «اگر نمی‌دانید، از آگاهان پرسید».

بر اساس این آیه شریفه، به پرسش از «اهل ذکر [آگاهان]» امر شده است و امر نیز ظهور در وجوب دارد. هنگامی که پرسش‌گری واجب باشد، بر شخص عالم [والدین و مربیان] واجب است که پاسخ گویند و به جاهل سؤال‌کننده تعلیم دهند. از این رو، تعلیم جاهل توسط عالم، از باب ملازمه بین وجوب تعلّم و وجوب تعلیم، واجب است. بنابراین، مدلول مطابقی آیه سؤال، وجوب پرسش‌گری و یادگیری است؛ اما مدلول التزامی آن، لزوم یاددهی و تعلیم جاهل است؛ زیرا بر فرض وجوب پرسش‌گری بر جاهل، پاسخ دادن و ارشاد علمی بر عالمان [والدین و مربیان] واجب است.^۱

۱. مدلول مطابقی آیه سؤال ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل، آیه ۴۳؛ انبیاء، آیه ۷) به قرینه ﴿إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾، تعلّم و یادگرفتن و آگاهی پیدا کردن است. هنگامی که پرسش‌گری واجب باشد، بر عالم نیز واجب است که پاسخ داده، به جاهل سائل تعلیم دهد. بنابراین، پرسیدن برای یادگرفتن و دانستن است.

به نظر می‌رسد که حکم وجوب پرسش‌گری، صحیح نباشد؛ زیرا قاعده کلی مأخوذ از «هل یسری حکم التعلّم الی التعلیم»، این است که هر جا تعلّم واجب یا مستحب باشد، تعلیم آن مستحب است. از آنجا که منشأ پرسش‌گری کودکان بر اساس پرسش واقعی نیست و پرسش‌گری نیز بر آنها واجب نیست؛ زیرا مکلف و مورد خطاب آیه شریفه نیستند، پاسخ و جواب‌دهی نیز واجب نیست؛ مگر آن که جواب‌دهی از باب دیگری مانند دفع ضرر محتمل واجب گردد؛ زیرا عدم جواب و پاسخ به پرسش‌های جنسی کودکان، زمینه انحراف و فساد جنسی آنها را فراهم می‌آورد. بنابراین، حداقل حکمی که از این آیه شریفه به دست می‌آید، رجحان جواب و پاسخ به سؤالات و کنجکاوی‌های جنسی کودکان است. پاسخ به سؤال نیز نوعی از تعلیم شمرده می‌شود؛ پس مدعا ثابت است. البته تعلیم و هدایت کودکان در قالب پاسخ‌دهی به سؤالات جنسی آنان، رجحان استحبابی دارد؛ زیرا آنان شرایط عامه تکلیف را ندارند.

ادله روایی: روایاتی بر لزوم تعلیم، نشر و بذل علم تأکید دارند که می‌توانند در راستای استنباط حکم مدعا کمک کنند که برای اختصار، فقط به روایت ذیل استناد و استشهاد می‌گردد:

پس تعلیم جاهل توسط عالم، از باب ملازمه بین وجوب تعلّم و وجوب تعلیم، واجب است. در نتیجه، مدلول مطابقی آیه سؤال، وجوب پرسش‌گری و یادگیری است؛ اما مدلول التزامی آن، لزوم یاددهی و تعلیم جاهل است؛ زیرا بر فرض وجوب پرسش‌گری بر جاهل، پاسخ دادن و ارشاد علمی بر علما واجب است. این نتیجه، حاصل دیدگاه عده‌ای از علماست که قائل‌اند بین وجوب سؤال از عالم و وجوب جواب از او ملازمه وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۴، ۱: ۲۸۸). البته برخی اصولیون، این ملازمه را قبول ندارند (آخوند خراسانی، بی‌تا، ۱: ۳۰۰). ممکن است پذیرش ملازمه بین حکم وجوب تعلم و وجوب تعلیم، از طریق سیره عقلا با اشکالاتی روبه‌رو باشد؛ اما با نگاهی به بیانات شارع، در می‌یابیم که این سیره توسط شارع مقدس نیز تأیید شده است. آیات و روایات حرمت کتمان علم و وجوب نشر علم، از مؤیدات این سیره هستند (ر.ک: مولودی، ۱۳۹۷: فصل چهارم).

مؤثقه طلحة بن زيد: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَأْخُذْ عَلَى الْجُهَالِ عَهْدًا يَطْلُبِ الْعِلْمَ حَتَّى أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ عَهْدًا بِبَذْلِ الْعِلْمِ لِلْجُهَالِ لِأَنَّ الْعِلْمَ كَانَ قَبْلَ الْجُهْلِ» (كلینی، ۱۴۰۷: ۴۱/۱؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۶۶).

از اطلاق واژه «علم» در این روایت، می‌توان «آموزه‌های جنسی» را شامل آن دانست. واژه «بذل علم» نیز اطلاق دارد و شامل تعلیم و اعلام در قالب مسئله گفتن و کلاس گذاشتن می‌شود. «تعهد الهی»، بر اهمیت مسئله و وجوب دلالت می‌کند. در اینجا بین ظهور اطلاقی و ظهور هیئت در وجوب، تعارض پدید می‌آید؛ یعنی بر علما [والدین و مربیان] واجب است که همه علومی را که می‌دانند، در اختیار دیگران - والدین و متریان - قرار دهند. این امر، موجب عسر و حرج است؛ پس مراد نیست. بنابراین، یا باید از اطلاق دست برداشت یا از وجوب بذل علم. راهکار مناسب، آن است که از وجوب این حکم دست برداریم. در این صورت، روایت بر استحباب بذل علم دلالت دارد. البته ممکن است گفته شود که اطلاق علم، تمام نیست؛ بلکه فقط مواردی را دربرمی‌گیرد که مورد ابتلای مخاطب [فرزندان و متریان] است. پس، بذل علم فقط در مواردی که مبتلابه مخاطب [فرزندان و متریان] است، واجب می‌باشد. قول مشهور، این است که قدر متیقن از طلب علمی که بر جُهل واجب است، دانستن واجبات و محرمات شریعت است. در بذل و تعلیم علم واجب نیز همین قدر متیقن وجود دارد (اعراف، ۱۳۹۲، ۲: ۱۸۸ - ۲۱۰). البته در مواردی که رفع جهل - سؤال کودکان از مسائل جنسی - جز از طریق تعلیم ممکن نباشد، لازم است از روش تعلیم استفاده شود؛ زیرا آنچه مهم است، رفع جهل از مخاطب است. از این رو، پاسخ‌دهی به سؤالات جنسی کودکان، نوعی تعلیم جنسی است.

براساس ادله و قواعد عامه، ادله استحباب تعلیم جاهل و همچنین آیات «سؤال» و همین‌گونه روایت طلحه، دست‌کم رجحان استحبابی پاسخ‌دهی به سؤالات جنسی کودکان توسط والدین و مربیان، منتج می‌گردد. البته اصل، عدم تحریک کنجکاوی‌های جنسی کودکان است. لزوم پاسخ‌دهی صحیح به سؤالات کودکان و لزوم آموزش جنسی به آنان، به این معنا نیست که والدین یا دیگر بزرگسالان، مجازند هر نوع سخنی را در حضور کودکان بیان کنند؛ بلکه باید سعی شود تا حد امکان، زمینه را به‌گونه فراهم کنند که حس کنجکاوی جنسی آنان برانگیخته نشود؛ چنان‌که برخی روایات و سیره اهل بیت علیهم‌السلام بر این مسئله تأکید دارند (رک: حمیری، ۱۴۱۳: ۲۵۲).

ه) تعلیم روش‌های محافظت از خود در برابر انواع سوء استفاده‌های جنسی

از دیگر مؤلفه‌های رفتاری برای تعلیم آموزه‌های جنسی به کودکان، تعلیم «روش‌های محافظت از خود در برابر سوء استفاده‌های جنسی» است. از آنجاکه کودکان در ساحت‌های مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری دچار ضعف و در معرض آسیب‌های مختلفی هستند، آموزش این روش‌ها به آنان، مهارت و توانمندی مواجهه صحیح و محافظت از خود در برابر انواع سوء استفاده‌های جنسی را در آنان رشد می‌دهد.

در وضعیت امروزی، مخاطره‌ها و تهدیدهای جنسی مختلفی از ناحیه محیط پیرامونی - رسانه‌ها، دوستان، نزدیکان، مدرسه و اجتماع -، کودکان ضعیف [در ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری] را احاطه کرده است. ضعف کودکان در سایه ناآگاهی، بی‌توجهی و بی‌نظارتی والدین و مربیان، «سلامت جنسی» آنان را در معرض آسیب‌های جدی قرار خواهد داد. از این‌رو، برای رفع و دفع تهدیدها و لطمه‌های جبران‌ناپذیر جنسی از کودکان، لازم است راهکارهای مقابله‌ای اتخاذ گردد. از مهم‌ترین راهکارها، تعلیم «شیوه‌های محافظت از خود در برابر سوء استفاده‌های جنسی» به کودکان است (انصاری، ۱۳۹۷: ۲۵-۳۲).

سوء استفاده‌های جنسی در دوران کودکی، می‌تواند در روابط جنسی آینده آنان تأثیر منفی داشته باشد (برلینر و الیوت، ۱۹۹۶؛ به نقل از: خدایاری فرد و عابدینی، ۱۳۸۵: ۱۶ - ۳۴). درواقع، هر نوع بهره‌کشی جنسی می‌تواند برای قربانیان عواقب کوتاه‌مدت و بلندمدت داشته باشد (باچر و دیگران، ۱۳۸۹، ۲: ۳۵۹)؛ اما «کودک‌آزاری جنسی»، مهم‌ترین مخاطره‌ای است که کودکان با آن روبه‌رو هستند (رک: فقیهی، ۱۳۸۷: ۳۴۵ - ۳۴۷).

تعلیم روش‌های مراقبت و محافظت از خود برای کودکان از این نوع سوء استفاده‌های جنسی، در راستای صیانت از سلامت جنسی آنان، مسئله‌ای ضروری است که رجحان آن، مستند به ادله عامه و خاصه ذیل است:

۱. مقتضای ادله و قواعد عامه: تعلیم کودکان به مراقبت و تحفظ خود از انواع سوء استفاده‌های جنسی، براساس قاعده تعلیم وقایعی (اعرافی، ۱۳۹۳: ۱۲۳ - ۱۳۸)، ارشاد جاهل (همو، ۱۳۹۸: ۶۷ - ۷۰)، قاعده هدایت (همان: ۷۲ - ۸۲) و قاعده احسان (همان: ۹۷ - ۱۰۰)، رجحان دارد. هرچند از مقتضای روایت «در جایگاه نیکو قرار دادن فرزند» و همچنین از مقتضای روایات «وظیفه‌مندی والدین» و «تعلیم حلال و حرام احکام» نیز رجحان این مسئله استفاده می‌گردد. از آنجاکه سوء استفاده‌های جنسی در قالب گناهان جنسی تعریف می‌شوند، صیانت فرزندان از هر طریقی، به‌ویژه تعلیم روش‌های تحفظ و مراقبت خودشان در برابر این تهدیدات، به مقتضای ادله و قواعد عامه مذکور، رجحان الزامی دارد.

۲. دلیل عقلی: از قواعد مورد قبول عقلا، قاعده «دفع ضرر محتمل» است. براساس این قاعده، عقل حکم می‌کند که نه فقط از ضررهای حتمی و مظنون؛ بلکه از ضررهای احتمالی باید دوری کرد (آخوند خراسانی، بی‌تا: ۳۴۳ - ۳۴۸). برپایه دلیل عقلی لزوم «دفع ضرر محتمل» [سوء استفاده جنسی از کودکان]، می‌توان بر رجحان

الزامی تعلیم روش‌های تحفظ و مراقبت از خود برای کودکان حکم کرد. علاوه بر ادله و قواعد عامه و دلیل عقلی، برای رجحان تعلیم روش‌های تحفظ و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان، می‌توان به ادله خاصه - کتاب و سنت - نیز استناد کرد. هرچند این ادله به صورت مستقیم بر تعلیم این آموزه‌های جنسی دلالت ندارند، موضوع آنها بر این مسئله دلالت دارند و در این راستا قابل استناد هستند که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد.

قرآن کریم: آیات مربوط به قاعده «تعلیم وقایی» (تحریم، آیه ۶)، «تعلیم جاهل» (نحل، آیه ۴۳؛ انبیاء، آیه ۷؛ توبه، آیه ۱۲۲)، «تعلیم تعاونی» (مائده، آیه ۲)، «هدایت» (توبه، آیه ۳۳؛ انبیاء، آیه ۷۲، ۷۳؛ اعراف، آیه ۱۵۹ و ۱۸۱، صف، آیه ۹) و «احسان» (نحل، آیه ۹۰) و همچنین آیات ۳۰ - ۳۱ از سوره مبارکه نور را می‌توان در راستای لزوم مراقبت از کودکان در برابر هر نوع مخاطره‌ای مورد استناد قرار داد. از کلیت و موضوعیت این آیات نیز می‌توان بر لزوم تعلیم شیوه‌های تحفظ و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان استفاده کرد که به دلیل توضیحات گذشته، از بیان مجدد آنها خودداری می‌شود.

۲. روایات

درباره رجحان «تعلیم تحفظ و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی» به کودکان، روایات به خصوصی وارد نشده است؛ ولی از مفاد برخی روایات می‌توان رجحان - الزامی و غیر الزامی - تعلیم مراقبت و تحفظ از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان را استفاده کرد. برای مؤید ادله سابق، می‌توان به مجموعه‌ای از روایات در راستای اثبات مدعا - رجحان تعلیم مراقبت و تحفظ از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان - استناد کرد.

- از ادله عدم مباشرت با عورت کودکان بعد از شش سالگی نیز می‌توان در

راستای اثبات مدعا بهره گرفت (اعرافی، ۱۳۹۶: ۱۶۸ - ۱۷۲). این دسته از روایات (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳: ۴۳۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۳)، بر نهی و عدم دستکاری و مباشرت با عورت کودکان - بعد از ۶ سالگی -، به منظور پیشگیری از تحریک جنسی و انحرافات مترتب بر آن دلالت دارند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۲۲: ۸۴۹).

- روایات ناهیه از بوسیدن لب‌ها و گونه‌های کودکان - با قصد ریه - نیز می‌تواند مدعا را ثابت کند (اعرافی، ۱۳۹۶: ۱۷۲ - ۱۷۶). این دسته از روایات، بر عدم تحریک جنسی کودکان از طریق خاص - بوسیدن لب‌ها و گونه‌ها - تأکید دارند (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۱۸۶). البته بوسیدن لب‌ها و گونه‌های محارم غیرهمجنس اگر با قصد ریه نباشد، اشکالی ندارد.

- دسته‌ای دیگر از روایات (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۰: ۲۲۹ به بعد)، بیان‌گر «احتراز از در آغوش گرفتن و بوسیدن دختران نامحرم بالای شش سال» است (اعرافی، ۱۳۹۶: ۱۷۶ - ۱۸۸). البته این مسئله درباره دختران نامحرم است و در آغوش گرفتن و بوسیدن کودکان محرم، به‌ویژه دختر خود شخص، مورد نهی نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۴۹)؛ چنان‌که در موثقه یحیی بن کاهلی آمده است: «رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى الْكَاهِلِيُّ قَالَ: سَأَلَ أَحْمَدُ بْنُ التُّعْمَانِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ عِنْدِي جُوزِيَّةٌ لَيْسَ بَيْنِي وَ بَيْنَهَا رَحِمٌ وَ لَهَا سِتُّ سِنِينَ قَالَ: لَا تَضَعَهَا فِي حَجْرِكَ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳: ۴۳۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۷: ۴۶۱). در این روایت، از در دامن نهادن دختر بچه‌ای که به شش سالگی رسیده، نهی شده است. تعبیر «لَا تَضَعَهَا عَلَى حَجْرِكَ»، بر عدم جواز قراردادن دختر بچه در آغوش دلالت می‌کند. احتمال اولویت یا حتی الغای خصوصیت نسبت به جایز نبودن بوسیدن وجود دارد؛ اما بعید به نظر می‌رسد.

بنابراین، با توجه به موثقه یحیی بن کاهلی و دیدگاه‌های فقهای معاصر (موسوی خویی، ۱۴۱۸، ۳۲: ۷۲؛ طباطبائی حکیم، ۱۳۹۱ق، ۱۴: ۴۱؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳،

۲۴: ۴۸)، کراهت در دامن‌نهادن، در آغوش گرفتن و بوسیدن دختر بچه شش ساله نامحرم، اقوی است. البته بدیهی است که کراهت ذکر شده، به در دامن‌نشانیدن، در آغوش گرفتن و بوسیدن بدون قصد ربه و شهوت منصرف است و در صورت چنین قصدهایی، با توجه به ادله دیگری که حاکم بر این ادله‌اند، این کار، حرام خواهد بود (طباطبائی حکیم، ۱۳۹۱ق، ۱۴: ۴۲). علاوه بر این، قدر متیقن از این ادله، کراهت در آغوش گرفتن و بوسیدن دختر شش ساله است و صرف نوازش و دست زدن به وی کراهت ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۹: ۸۴).

- مهم‌ترین دلیلی که می‌توان به عنوان مؤید رجحان تعلیم شیوه‌های تحفظ و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان ارائه داد، «تفریق مضاجع» [جدا کردن محل خواب] است که در روایات زیادی بر آن تأکید، (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۴۶ - ۴۷؛ همان، ۷: ۶۹؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳: ۴۳۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۹: ۱۸۳) و در منابع فقهی (موسوی خویی، ۱۴۱۸، ۳۲: ۸۹؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۴: ۵۳) به آن پرداخته شده است (اعرافی، ۱۳۹۶: ۹۳ - ۱۱۹؛ همو، ۱۳۹۳: ۱۶۱ - ۱۶۹). این روش تعلیمی، عملی و پیشگیرانه است که بیان‌گر استحباب جداسازی بسترهاست. البته در صورت خوف به فساد یا عریان خوابیدن در مضجع واحد، تفریق مضاجع، واجب و در غیر این دو صورت، مستحب است. البته این مسئله دارای فروعات متعددی است که در جای خود به آنها پرداخته شده است (همان).

بنابراین، با توجه به ادله و قواعد عامه و همچنین دلیل عقلی، تعلیم شیوه‌های محافظت و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان، ضرورت دارد. علاوه بر این ادله، دلایل قرآنی فراوانی از جمله آیه وقایه بر لزوم این تعلیم به کودکان تأکید دارند. از آنجاکه ادله روایی مستقیمی بر این مسئله یافت نگردید، از مفاد و دلالت روایاتی که بر رجحان - لزومی و غیر لزومی - تحفظ و مراقبت‌های جنسی کودکان

تأکید داشتند، بر اثبات مدعا [رجحان تعلیم شیوه‌های تحفظ و مراقبت از سوء استفاده‌های جنسی به کودکان] استشهاد گردید.

نتیجه

تعلیم جنسی در دیدگاه مختار، «افزایش دانش، آگاهی و مهارت متربیان [فرزندان] در امور جنسی و جنسیتی فرد، متناسب با اقتضائات رشدی و موقعیتی آنان، به اندازه نیاز، در راستای تربیت و سلامت جنسی مبتنی بر تعالیم اسلامی» است. از آنجاکه مطالعاتی بایسته و شایسته درباره مسئله پژوهش با رویکرد فقهی صورت نگرفته است، این تحقیق به روش اجتهادی، مشروعیت - اعم از وجوب، استحباب و جواز - و مرجوحیت - کراهت و حرمت - تعلیم آموزه‌های جنسی را در دوره کودکی بر اساس فقه اهل بیت علیهم‌السلام مورد ارزیابی قرار داد. جمع‌بندی داده‌ها و بررسی آنها در گزاره‌های ذیل قابل ارائه است:

۱. به مقتضای ادله و قواعد عامه و همچنین ادله خاصه، تعلیم در راستای هویت‌یابی جنسی کودکان، دست‌کم رجحان ندبی دارد.
۲. ادله و قواعد عامه و ادله خاصه نیز بر رجحان استحبابی تعلیم تحفظ عورت از دیده‌شدن برای کودکان دلالت دارند و در سنین بعد از تمییز، بر رجحان الزامی دلالت دارند.
۳. تعلیم استیذان به کودکان غیر بالغ، طبق ادله عامه و خاصه، رجحان استحبابی دارد و این تعلیم در فرزندان بالغ، واجب است.
۴. پاسخ‌دهی مناسب، متناسب و به‌هنگام به کنجکاوی‌ها و سؤالات جنسی کودکان، مشروع و راجح است.
۵. تعلیم روش‌های گفتاری و رفتاری محافظت از خود به کودکان در برابر سوء استفاده‌های جنسی، ضروری است.

منابع

قرآن کریم

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم، *کفایة الأصول*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، [بی تا].
۲. اسپاک، بنجامین، *مشاكل الآباء فی تربية الابناء*، بیروت، مؤسسة العربية للدراسة و النشر، ۱۹۸۰ م.
۳. اعرافی، علیرضا، *فقه تربیتی (تربیت جنسی)*، ج ۲۶، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۶ ش.
۴. _____، *فقه تربیتی (وظایف نهادهای تربیتی) (خانواده)*، ج ۲۹، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۸ ش.
۵. _____، *قواعد فقهی (تسبیب، اعانه بر اثم، اعانه بر برّ)*، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۴ ش.
۶. _____، *تربیت فرزند با رویکرد فقهی*، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۳ ش.
۷. _____، *فقه تربیتی (مبانی و پیش فرض‌ها)*، ج ۱، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۱ ش.
۸. _____، *فقه تربیتی (یادگیری علم و دین)*، ج ۲، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۲ ش.
۹. امامی‌راد، احمد، اعرافی، علیرضا، موسوی، سیدعباس، مشهدی علی‌پور، مریم، «قواعد عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی در فقه تربیتی»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.
۱۰. امامی‌راد، احمد، مشهدی علی‌پور، مریم، «تربیت و آموزش جنسی مرتبط با اعضای جنسی کودک در اسلام»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۱. انصاری، سپیده، «آگاهی بخشی به والدین و مراقبان کودک از کودک‌آزاری جنسی و راهبردهای پیشگیرانه و مقابله‌ای»، *مجله تعلیم و تربیت / استثنایی*، سال هجدهم، شماره ۴ (پیاپی ۱۵۳)، مهر و آبان ۱۳۹۷ ش.

۱۲. انصاری شیرازی، قدرت الله و همکاران، *موسوعة أحكام الأطفال وأدلتها*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)، ۱۴۲۹ق.
۱۳. باچر، جیمز، مینکا، سوزان، هولی، جیل، *آسیب شناسی روانی*، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران، ارسباران، ۱۳۸۷ش.
۱۴. _____، *بهداشت روانی زنان*، ترجمه: خدیجه ابوالمعالی و دیگران، تهران، ساوالان، ۱۳۸۹ش.
۱۵. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۸۰ش.
۱۶. تبریزی، مصطفی و دیگران، *فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی*، تهران، نشر فراروان، ۱۳۸۵ش.
۱۷. جمعی از نویسندگان، *روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، تهران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵ش.
۱۸. حرّانی، حسن بن علی بن شعبة، *تحف العقول*، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۰۴ق.
۱۹. حرعاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت (عج)، ۱۴۰۹ق.
۲۰. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، *نهاية الاحکام*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۲۱. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، *قرب الإسناد*، تهران، نشر مؤسسه آل البيت (عج)، ۱۴۱۳ق.
۲۲. سیف، علی اکبر، *روان شناسی پرورشی نوین (روان شناسی یادگیری و آموزش)*، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۴ش.
۲۳. شیخ صدوق، محمد بن علی، *الخصال*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ش.
۲۴. _____، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۲۵. شیخ مفید، محمد بن محمد، *الأمالی*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۶. شیمیل، جان ال، *روان شناسی بلوغ و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان*، ترجمه: فضل الله

- شاهلویی پور و پروین قائمی، تهران، نشر حسام، ۱۳۷۹ ش.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۲۸. _____، *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، *العروة الوثقی*، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۳۰. طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۳۱. طباطبائی حکیم، سید محسن، *مستمک العروة الوثقی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
۳۲. طبرسی، حسن بن فضل، *مکالم الأخلاق*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۳۳. طرقي اردکانی، مجید، امامی راد، احمد، «بررسی فقهی روش تربیت جنسی اجازه خواهی فرزندان هنگام ورود به اتاق خلوت اولیا (استیدان)»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، دوره ۴، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
۳۴. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *مسالك الافهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. عندلیب، حمزه، *نحن والاولاد فی مآثر اهل بیت النبوة علیهم‌السلام*، مشهد، نشر دلیل، ۱۳۸۴ ش.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۳۷. فرمهبینی فراهانی، محسن، «نگاهی گذرا بر تربیت جنسی در مقاطع مختلف تحصیلی»، *مجله سلامت روان*، سال اول، ۱۳۸۷ ش.
۳۸. فروید، زیگموند، *سه رساله درباره تنوری میل جنسی*، ترجمه: هاشم رضی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی آسیا، ۱۳۴۳ ش.
۳۹. فقیهی، علی نقی، *تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث*، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷ ش.
۴۰. فیض کاشانی، محمد محسن، *مفاتیح الشرایع*، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۱ ق.
۴۱. _____، *الوافی*، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، ۱۴۰۶ ق.

۴۲. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش.
۴۴. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (علامه مجلسی)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۵. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، *کنز العمال*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۴۶. مدن، یوسف، *التربیه الجنسیه للاطفال والبالغین*، بیروت، دارالمحجۃ البیضاء، ۱۴۱۶ ق.
۴۷. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ ش.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الاصول*، قم، نشر مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۱۴ ق.
۴۹. مکدوگال، ویلیام، *روان‌شناسی عملی برای همگان*، ترجمه: وحید مازندرانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۵۰. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، *مهدب الاحکام*، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ ق.
۵۱. موسوی، سید عباس، *بلوغ جنسی زودرس (عوامل، پیامدها و راه‌های پیشگیری)*، قم، انصاریان، ۱۳۹۹ ش.
۵۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *موسوعة الإمام الخویی*، قم، موسوعة الإمام الخویی، ۱۴۱۸ ق.
۵۳. مولودی، حسین، «*قواعد و اصول فقهی تعلیم*»، رساله دکتری، جامعه المصطفی العالمیه، دفاع ۱۳۹۷ ش.
۵۴. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.